



میانجی‌گرایانه را ایفا کرده و با تصمیمی قاطع از هرزروی حاشیه‌سازان جلوگیری کند، تمام رشته‌ها پنبه شد. رسول‌پناه باز هم مورد حمله قرار گرفت تا از ریاست هیأت مدیره باشگاه کنار برود اما کسی در این بین به‌دنبال علت سکوت سمیعی نیست. انگار سمیعی هم مانند همتایش مددی نقش میرزا بنویس و ماشین امضا را دارد که در چنین موضوع مهمی ورود نکرده و لاقل تا حد اختیارات خود به جلوگیری از ترویج چنین رفتارهایی نپرداخته است.

همان مسیرهای ورودی اشتباه و عدم وجود یک سیکل صحیح برای گزینش افراد لایق باعث شده که وضعیت در تهران قرمز شود. شاید اگر برانکو ایوانکوویچ از ایران نمی‌رفت، آندره‌آ استراماچونی در استقلال ماندگار می‌شد و یک عنوان قهرمانی در لیگ قهرمانان آسیا به پرسپولیس می‌رسید، وزارت ورزش و جوانان هرگز تن به پروسه خصوصی‌سازی این دو باشگاه پرطرفدار نمی‌داد و با همین رویه کج‌دار و مریز امور را اداره می‌کرد. بر کسی پوشیده نیست که مهم‌ترین پایگاه مردمی فوتبال ایران در گرو وجود استقلال و پرسپولیس است و هیچ سازمانی دوست ندارد که سیبل توجه ۸۰ میلیون ایرانی از دایره اموالش خارج شود اما آب آنقدر سریلا آمده و قورباغه‌ها چنان ابوعطا خوانده‌اند که دیگر راهی برای ادامه این مسیر نیست. این نگرش باعث شده تا همگان مسأله واگذاری سرخابی‌ها را به بخش خصوص صی مانند مسیری طلایی و راه نجات بدانند اما چنین زیرساخت‌های غلط و سیکل اشتباهات بی‌شمار در امور مدیریتی این دو باشگاه قطعاً آینده‌شان را حتی در بخش خصوصی تحت تأثیر قرار خواهد داد. آدم‌های اشتباه، مسیرهای اشتباهی را پی گرفته‌اند و مسیرهای اشتباه، نتیجه‌های غلطی را به بار آورده‌اند که همه چیز به مو برسد و در شرف پارگی قرار داشته باشد.

با فرار مهدی رسول‌پناه از تریبون انتقادات و حمله‌ها، نوبت به یک مدیر حراستی رسید تا با شعار مبارزه با فساد وارد باشگاه پرسپولیس شود. جعفر سمیعی زرقندی برای تلطیف جو رسانه‌ای پیرامون انتخاب یک کارمند حراستی برای مدیریت باشگاه از ابراهیم شکوری در پست مدیریت اجرایی استفاده می‌کند اما شکاف‌ها بین سمیعی و اعضای هیأت مدیره سرخ کتمان شدنی نیست. او که گفته می‌شود با خواهش و اصرار شخص وزیر ورزش و معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای وزارتخانه با اکراه این سمت را قبول کرده، در نخستین چالش جدی‌اش فعلاً پاسخ درخوری نداشته و رویه سکوت را پیش گرفته. طوفان غیرحرفه‌ای یحیی گل‌محمدی پس از شکست مقابل اولسان هیوندای در فینال لیگ قهرمانان آسیا و تساوی در دربی ۹۴ علیه مهدی رسول‌پناه قطعاً می‌توانست با واکنشی درست و بجا از سمت این مدیرعامل تازه‌وارد مواجه شود اما جعفر سمیعی انگار یونیفرم حراستی‌اش را برای رسیدن به اتاق مدیریت ساختمان خیابان شیخ بهایی دور انداخته و به سکوت علاقه بیشتری دارد.

مشکلات و اختلافات در هر سازمان، شرکت و یا باشگاهی وجود دارد و عملاً اجتماع بیش از یک نفر انسان‌ها با چالش و بحث روبه‌رو است اما این نگرش هرگز جایی در ساختار مدیریتی فوتبال مانداشته، بازگو کردن مشکلات در روزهای شکست و فرار کردن از یافتن علت اصلی عدم موفقیت باعث شد تا سرمربی تیم پرسپولیس مقابل رئیس هیأت مدیره این باشگاه قرار بگیرد تا باز هم یک جنجال دیگر میهمان ناخوانده رختکن سرخ‌ها شود. در شرایطی که پیش‌بینی می‌شد مدیرعامل باشگاه پرسپولیس بین سرمربی و رئیس هیأت مدیره این باشگاه نقشی

مستحکمی که برانکو ایوانکوویچ کروات بنا نهاده نتیجه می‌گیرند و قهرمان می‌شوند تا این مخروبه پنهان بماند اما استقلال به سبب نتایج ضعیف‌تر و حواشی زیادتر با عریانی خاصی از این تخریب مهندسی شده پرده برداشته. اشتباهات بی‌سابقه مالک سرخابی‌های تهرانی باعث شده تا افرادی بدون کوچکترین نگرش ورزشی و مدیریتی پا به عرصه اظهار وجود بگذارند و از کنار نام پرسپولیس و همچنین استقلال، برای خود و شرکت‌های تابعه‌شان اسم و رسم و برج و بارو بسازند. افرادی که طی ۲-۳ سال اخیر به پیکره ریاست و اجرایی باشگاه پرسپولیس اضافه شدند، تنها زخم دیگری روی زخم‌های لایتناهی سرخ‌ها بوده‌اند و حتی از دندانپزشک و پیشکشوت هم مرهمی برای این درد بی‌درمان پیدا نشد.

در شرایطی که به نظر می‌رسد همه چیز در باشگاه پرسپولیس آرام است و تیم مدیریتی جدید سرخ پس از ناکارآمدی‌های پی‌درپی محمدحسن انصاری فرد می‌تواند زمام افسارگسیخته امور را در دست بگیرد، ورق برگشت و کارت‌های آس به تباهی کشیده شد. مهدی رسول‌پناه نماد بارزی از یک فرد تازه به دوران رسیده بود که انتظارش را نداشتم؛ دندانپزشکی که تمام آبرو و اعتبار چندین ساله پزشکی‌اش را تنها در عرض چند ماه و با سودای شهرت و معروفیت در طبق خیرات نهاد تا هم از گندم ری جا بماند و هم از خرمای بغداد. ورود یک فرد تحصیل‌کرده و از قشر الیت می‌توانست یادآور روزهای خوش حضور مهندس‌ها و دکترهای واقعی در فوتبال‌مان باشد اما همان کانال ارتباطی اشتباه و همان دستان ناتوان یک پدرخوانده مستأصل باعث شد که کار رسول‌پناه به استعفای اجباری از سرپرستی مدیرعاملی باشگاه پرسپولیس بکشد و سریال‌های چند قسمتی اظهارات‌اش شانس حضور در اسکار ۲۰۲۱ را داشته باشد!

اختلافات بین اعضای هیأت مدیره و وزارت ورزش و جوانان باعث شده تا هیچ اختیاری در دستان احمد مددی نباشد و او به بی‌اختیارترین و شاید بی‌بهره‌ترین مدیرعامل تاریخ این باشگاه تبدیل شود.

احمد مددی بر مسند قدرت نشسته اما تمام تصمیم‌گیری‌ها و راهبردهای فعالیتی از سمت هیأت‌مدیره و رئیس آن به او ابلاغ می‌شود. همانگونه که ابراهیم شکوری در روزهای فعالیتش به‌عنوان سرپرست دبیرکل فدراسیون فوتبال فقط و فقط نقش اجرا کننده فرامین را داشت، مددی هم انگار در یک پست اجرایی قرار گرفته و تنها به ابزاری برای مقابله با رسانه‌ها و حفاظت از اهداف هیأت مدیره تفسیر می‌شود. احمد مددی که روی صندلی‌ای تکیه زده که روزی در اختیار بزرگان مدیریتی فوتبال ایران بود، بر همان صندلی می‌نشیند و دستورات را بی‌کم و کاست اجرا می‌کند تا مبادا جایگاهش به خطر بیفتد. مددی با چنگ و دندان صندلی مدیرعاملی باشگاه استقلال را حفظ کرده و در این راه تمام اختیارات بدوی‌اش را هم خیرات کرده اما هنوز نفر اصلی با چراغی خاموش می‌تازد و قربانی‌هایش را از بین افراد مختلف انتخاب می‌کند. متولی امور دو باشگاه بزرگ پایتخت انگار در شناسایی معضل اصلی سرخابی‌ها ناتوانی خاصی دارد؛ اعضای یک بدن به ترتیب قطع می‌شوند اما غدد سرطانی هنوز پابرجا مانده و با ولع خاصی از خون استقلال و پرسپولیس تغذیه می‌کنند.

همان تومور بدخیمی که در جان نحیف باشگاه استقلال رخنه کرده و تبرهای محکمی هم به تنه درخت آبی می‌کوبد، در پرسپولیس هم بدون ذره‌ای تفاوت در حال انجام مأموریت است. تنها تفاوت باشگاه قرمز و باشگاه آبی در این است که سرخ‌ها بر اثر فوندانسیون

